

رئیس جمهور در دیدار با المپیادها

اشاره

همانگونه که در شماره ۴۰ مجله (صفحه ۴۶۳) آمد در تاریخ پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۰، اعضای تیمهای ملی و برندگان کشوری المپیادهای ریاضی، کامپیوتر، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ادبی همراه با خانواده‌هایشان با رئیس جمهوری اسلامی ایران حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی دیدار نمودند. در این دیدار رئیس جمهور سخنانی ایراد نمودند که مشروح آن را در این شماره مطالعه می‌نمائید.

«سمپاد»

بسم الله الرحمن الرحيم

برای من باعث کمال خوشحالی و خوشوقتی است که این توفیق را پیدا کردم که در جمع شما جوانان عزیز و نیز بستگان عزیز شما حضور به هم برسانم و از تلاش ارجمند شما و نیز زحمتهایی که همه عزیزان برای موفقیت شما کشیده‌اند - که البته خود شما بیش از همه زحمت کشیده‌اید، سپاسگزاری کنم. هم‌چنین از جناب آقای حاجی وزیر محترم آموزش و پرورش که این جمع و نشست را ترتیب دادند، تشکر می‌کنم.

شما نخبگان جوان جامعه ما هستید و جامعه ما، جامعه جوانی است. شاید در میان کشورهای جهان، کشور ما از جوان‌ترین کشورهای جهان باشد. وجود نسل نوپا و نوخواه جوان در عرصه تحولات پرشتاب کنونی به‌علاوه استعداد ممتازی که در ایران و ایرانیان هست و همین المپیادها و موفقیت‌های شما با وجود امکانات کمتری که در مقایسه با بسیاری از کشورهای شرکت‌کننده دارید، خود نشانه بالابودن ضریب هوشی ایرانی‌ست. بارها گفته‌ام که اصولاً در طول تاریخ ملت‌های اندکی بوده‌اند که توانسته‌اند تمدن جهانی بسازند و شاید از تعداد انگشتان دست تجاوز نکند و ایران بدون تردید یکی از کانون‌های تأسیس و بسط تمدنی است که از حوزه و حیطه محیط جغرافیایی ایران فراتر رفته است و در سرشت و سرنوشت بشری

تأثیر گذاشته است. این ملت باید استعداد فوق‌العاده‌ای داشته باشد. گرچه با کمال‌تأسف در طول تاریخ به علت استیلای استبداد و در یکی دو قرن اخیر متکی شدن استبداد به استعمار، سبب شده است که این استعدادها نتواند آن‌طور که باید و شاید هم در عرصه دگرگونی مثبت زندگی خودش و هم در عرصه تحولات جهانی حضور و ظهور و بروز لازم را داشته باشد و قطعاً یکی از علل مهم انقلاب عظیم اسلامی ایران احساس این عقب‌ماندگی و تحقیر شدگی تاریخی بود و این که این ملت احساس می‌کرد که شایسته زندگی دیگری است؛ پیشرفت و نه تنها پیشرفت برای خودش، بلکه مشارکت در عرصه تحولات جهانی و پیشرفت بشری.

یک جامعه جوان با استعداد‌های فراوان اگر به آینده امید داشته باشد و زمینه‌های رشد و شکوفایی استعداد و امنیت‌خاطر و اعتماد به نفس آن فراهم شود، باز هم می‌توانیم شاهد شگفتی‌های بزرگی در این نقطه از جهان باشیم.

حمایت از اهل علم و کسانی که در مسیر کسب دانش و ارتقای جان خویش قرار دارند، تنها به تمجید و ستایش‌گویی خلاصه نمی‌شود و حتی می‌خواهم بگویم که به کمک‌های مالی و مادی هم خلاصه نمی‌شود، بلکه باید زمینه‌ای را فراهم کرد که این استعداد رشد کند. ما نیستیم که به افراد رشد می‌دهیم، بلکه اگر زمینه‌سازی کنیم، این خود انسان‌ها هستند که رشد می‌کنند. رشد، فرآیند و فعلی انسانی است و بر ذهن و تصمیم و تلاش خود آدمی مبتنی است هم‌چنان که تربیت یک جنبه تحمیلی نیست. تربیت، مشارکت خود تربیت‌شونده در امر رشد معنوی و عقلانی و عاطفی و علمی است. این زمینه‌سازی باید فراهم شود و نیز رشد علمی در جامعه به صورت جزیره‌ای جدای از سایر بخش‌های جامعه میسر نیست. جامعه‌ای که از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در موقعیتی مناسب قرار بگیرد، طبعاً در آن رشد علمی هم خواهد بود. وقتی توسعه همه‌جانبه و پایدار گفته می‌شود، خیال نکنیم که اگر تنها وضع اقتصادی جامعه خوب شد، آن جامعه، جامعه رشیدی است که به صورت متعادل رشد پیدا کرده است. این تصور غلط وجود داشته است که ابتدا باید آزادی‌ها را محدود نمود و سخت‌گیری‌ها را زیاد کرد، حتی بتوان قانون را نقض کرد تا جامعه بتواند رشد اقتصادی پیدا کند و بعد که رشد اقتصادی پیدا کرد، آن وقت نوبت رشد سیاسی و فرهنگی و علمی می‌رسد. بطلان این تصور لااقل یا قطعاً در جریان عمل هم معلوم شده است. زمینه پیشرفت در علم و فن‌آوری که ما، در این زمینه در دنیا خیلی عقب هستیم باید فراهم شود. پیشرفت و بهبود وضع اقتصاد جامعه، اگر

جامعه شما مولّد نباشد و نتواند نیازهای خودش را رفع کند و به منابعی که خود او در ایجاد آن نقشی نداشته، متکی شود قابل حصول نیست. البته بعضی از کشورها مثل کشور ما از این نعمت برخوردار بوده‌اند. من در جای دیگری هم گفته‌ام. نمی‌دانم نفت برای کشوری چون کشور ما نعمت بوده است یا نعمت؟ چون وجود این نعمت خداداد که خیلی آسان هم به دست می‌آید، در حالی که میلیون‌ها سال طول کشیده تا این ماده امروز به این صورت درآمده است و طبعاً باید پشتوانه زندگی نه تنها این نسل، که نسل‌های آینده هم قرار بگیرد، مورد طمع خیلی‌ها بوده است. الآن هم یکی از مسائلی که در منطقه ما وجود دارد، این است که این منطقه، منطقه تولید انرژی‌ست و حیات اقتصادی و صنعتی جهان به انرژی وابسته است. بعضی تجاوزها و طمع‌هایی که وجود دارد، این جاست. باز در موقعی که برای دیپلمات‌ها در همین سالن صحبت کردم، گفتم یکی از مشکلاتی که این منطقه دارد، این است که وضعیت موجود در این منطقه، وضعیت انرژی - بحران است. ما انرژی صادر می‌کنیم و دیگران بحران صادر می‌کنند. الآن همین بحران خاورمیانه که مورد توجه است، در حالی که ما نیازمند یک سیاست و وضعیت انرژی - توسعه هستیم و توسعه در صورتی خواهد بود که بحران نباشد و امنیت برقرار باشد و به سادگی نمی‌گذارند که در این جا امنیت برقرار بشود. هم در حکومت‌هایی که هستند، این ملاک و معیار وجود دارد که تأمین‌کننده منافع کسانی باشند که می‌خواهند انرژی ارزان را به دست آورند و بازارهای مناسبی داشته باشند و هم این که محیط، باید محیطی باشد که در مقابل صدور انرژی بتوانند کالاهای خودشان (به خصوص کالاهای نظامی) را صادر کنند.

ما نفت داریم. نفت نعمت بسیار ارزشمندی‌ست، اما اگر یکی دو نسل به صدور نفت خام متکی شود و این سرمایه میلیون‌ها ساله را در ظرف مدت ۲۰، ۳۰ یا ۴۰ سال تمام کند و نه وضع زندگی‌اش را بر تولید، کارآفرینی و رونقی که در فعل و انفعالات اقتصادی ایجاد می‌شود مبتنی نکند، این جامعه، جامعه خوشبختی نخواهد بود و در علم هم پیشرفت نخواهد کرد. ما برای این که پیشرفت علمی هم داشته باشیم، باید وضعیت اقتصادی متناسبی داشته باشیم و این هردو میسر نیست، مگر این که وضعیت سیاسی متناسبی داشته باشیم. سرمایه اصلی ما، مردم هستند. این مردم باید احساس حرمت و حضور کنند و نیز قانونی که به هر حال مورد اعتماد مردم است و خودشان در تدوین و تصویب آن نقش داشته‌اند، مبنای عمل قرار بگیرد و طبعاً با تشخیص اولویت‌ها در زمینه‌های علمی فرهنگی و سیاسی هم رشد پیدا بکنیم. آن وقت

زمینه‌سازی می‌شود که این نسل جوان و این نیروی مستعد، بتواند جایگاه خودش را در عرصه جامعه ایران و عرصه جهانی پیدا کند. اگر ما بتوانیم در این زمینه‌ها رشد پیدا کنیم و نیز خودباوری داشته باشیم؛ یعنی بر فرهنگ دینی و خودی و بومی خودمان متکی باشیم، با ذکر این نکته که فرهنگ هم نیازمند نوسازی و بازسازی است. مایه‌های فرهنگی ما خودی‌ست و خودی بوده و در گذشته هم ریشه دارد و ما هم حتماً باید به این ریشه متکی باشیم ولی ما، در این روزگار زندگی می‌کنیم و باید به آینده نگاه داشته باشیم. سنت و فرهنگ هم باید نوسازی و بازسازی شود. با حفظ هویتی که آن فرهنگ خودی دارد و آن جنبه‌های اصلیش. جدا کردن جنبه‌های بشری و جنبه‌های زمانی و مکانی که به صورت سنت‌ها درآمده است و اگر زمان آن گذشته است، این قالب‌ها باید نو بشود. البته در این زمینه‌ها نمی‌شود ولنگاری کرد، باید زمینه فراهم بشود. آن وقت اگر این خودباوری و اتکای به فرهنگ خودی و معنوی خودمان باشد و نیز مصمم باشیم که جامعه‌مان به لحاظ اقتصادی، سیاسی و علمی نو بشود، آن وقت هست که استعداد شکوفا خواهد شد و

فیض روح القدس را باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آن چه مسیحامی کرد

چرا این نسل نتواند آفریننده الگویی باشد که در عین حالی که خودی‌ست، نو باشد و بتواند در دنیای امروز هم الگو باشد.

ما باید زمینه‌سازی بکنیم. البته این که می‌گویم ما، دولت خیلی نقش دارد، ولی فقط دست دولت نیست. به هر حال همه مسؤولان نظام و همه کسانی که در عرصه حیات اجتماعی حضور دارند و شما به خصوص جوانان، باید اولاً، طالب باشید؛ بخواهید؛ شجاعت بیان خواست‌ها را داشته باشید و ثانیاً، متحمل و صبور باشید. این مسایل یک‌شبه تحقق پیدا نمی‌کند. مهم این است که راه گم نشود و ما با وجود همه موانع به سوی پیشرفت معنوی و مادی حرکت بکنیم. در زمینه‌های علمی که امروز صحبت از مهاجرت‌های علمی یا فرار مغزهاست که اگر مهاجرت به صورت معقولی هدایت بشود، می‌تواند جنبه مثبت هم داشته باشد، ولی اگر فرار باشد، ما باید متوجه بعضی نقص‌ها بشویم و آن‌ها را جبران بکنیم.

برای این که این وضعیت پیش نیاید، علاوه بر این که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و علمی ما باید جهت کارمان اصلاح و تحول مثبت باشد، باید سعی بکنیم، به طور

خاص میان نهادهای علمی ما و جامعه ما و میان دانشگاه و دولت ما یک رابطه اندامواره و ارگانیک برقرار بشود؛ یعنی جامعه و دولت و مدیران جامعه احساس نیاز به علم و نهادهای علمی جامعه بکنند و نهادهای علمی هم با جامعه و با نیازها و اولویت‌هایشان آشنا بشوند و تلاش و فعالیت علمی‌شان را در مسیر حل مشکلات موجود جامعه به کار بگیرند. در این صورت است که ما در همه زمینه‌ها رشد خواهیم کرد.

وجود باشگاه دانش‌پژوهان جوان یک نقطه امید است، به شرط این که ما کمک بکنیم که به لحاظ اداری و اقتصادی و غیره مشکل آن عزیزان کم تر بشود. آن‌ها هم تلاش بکنند که با ابتکار و مطالعه بهتر اوضاع و با برنامه‌ریزی صحیح، هم در جهت جذب نیروهای جوان و هم در جهت اتصال این نیروهای جوان با جامعه تلاش بکنند.

جوانان ما جوانان شایسته‌ای هستند، چه پسرها و چه دخترها. وقتی که آدم در گزارش‌ها می‌خواند که تمام دخترانی که در المپیادها شرکت کرده‌اند، مدال آورده‌اند، این نشان‌دهنده شایستگی زن ماست؛ زن ایرانی ست و معلوم است که اگر هم در بعضی جهات کمبودهایی وجود دارد، به دلیل محرومیت‌های تحمیل شده است. اگر فضا فراهم بشود، دختران عزیز و زنان محترم ما هم می‌توانند در عرصه‌ها نقش بسیار ممتازی داشته باشند.

من از شما عزیزان سپاسگزارم. اگر کمبودهایی هم هست، واقعاً تلاش ما این بوده است که تا آن جایی که می‌توانیم، رفع بکنیم. هم ممکن است موانع وجود داشته باشد و امکانات به اندازه نیازها نباشد و ممکن است ما هم اشتباهات و مشکلاتی در تنظیم امور داشته باشیم که ان شاء الله با نقد و انتقاد، با بحث و گفت‌وگو، با مطالعه بیشتر و با بازنگری برنامه‌ها باید آن نقص‌ها را جبران کرد و ان شاء الله ما زمینه‌ای فراهم بکنیم که شما نسل جوان پرنشاط رو به آینده با امید به زندگی و با اتکای به خود و فرهنگ خودی و با حضور در عرصه و پرداختن هزینه حضور شما در عرصه بتوانیم زمینه مناسب‌تری را برای رشد و ارتقای شما و در نتیجه جامعه‌مان فراهم بیاوریم.

خیلی خیلی خوش آمدید. ان شاء الله که مؤید و موفق باشید. از همه مسئولان، از همه استادان و معلمان، اولیا، مربیان و نیز از خود شما جوانان عزیز که تلاش شما موجب افتخار ماست، سپاسگزاری می‌کنم و برای شما در هر کجا و همیشه آرزوی موفقیت می‌کنم.

خدا یار و نگهدار شما باد.

